

تحلیل گفتمان ائمه (ع) با روش تقیّه بر اساس نظریه‌ی کنش گفتاری جان سرل

مرزیه بوزن^۱ کریم نجفی بزرگر^۲
اصغر قائدان^۳ سید حسن قریشی کرین^۴

چکیده

در این مقاله برآنیم گفتمان ائمه (ع) در مسأله تقیّه را با تکیه بر نظریه‌ی کنش گفتاری جان سرل که در حوزه‌ی تحلیل گفتمان قرار دارد، بررسی کنیم. تقیّه از معتقدات کلامی - فقهی شیعه و رویکردی تاریخی برای حفظ موجودیت اقلیت در برابر اکثریت محسوب می‌شود. یکی از شیوه‌های مبارزاتی ائمه (ع) در عصر اموی و عباسی، روش «تقیّه» است. ائمه (ع) بر حسب مقتضیات زمان و مکان، از تقیّه در مبارزه با دشمن و پیشبرد هدف بهره می‌بردند. جان سرل رابطه‌ی میان زبان و جامعه را از منظر فلسفی واکاوی کرده است. نظریه‌ی کنش گفتاری سرل کارکردهای متفاوتی دارد و در فهم پاره گفتارها باید به معنای ثانوی آنها توجه داشت. این تحقیق با روش توصیفی - تحلیلی در صدد پاسخ‌گویی به این سؤال است که چگونه ائمه (ع) با روش تقیّه، از گفتارهایی استفاده کرده‌اند که معنای ثانوی آنها مورد نظر بوده است و بیشتر از چه کنش‌های گفتاری بهره برده‌اند؟ بررسی داده‌های تحقیق نشان می‌دهد ائمه (ع) بنا بر نظریه‌ی «افعال گفتاری» سرل برای پیشبرد اهداف خویش از عباراتی استفاده کرده‌اند که معنای ثانوی آنها مد نظر بوده و کنش‌های گفتاری اظهاری، عاطفی و ترغیبی بیشترین کاربرد را داشته است، در حالی که از کنش‌های اعلامی و تعهدی بهره نگرفته‌اند.

واژگان کلیدی

تقیّه، تحلیل گفتمان، کنش گفتار، ائمه (ع)، جان سرل.

۱. دانشجوی دکتری تاریخ اسلام، گروه تاریخ، دانشگاه علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.
Email: marziye.barzan@gmail.com (نویسنده مسئول)

۲. دکتری تخصصی تاریخ اسلام، دانشیار گروه تاریخ دانشگاه پیام نور تهران مرکزی
Email: Karim.najafi@gmail.com

۳. دکتری تخصصی تاریخ اسلام، دانشیار گروه فرهنگ و تمدن اسلامی دانشکده الهیات دانشگاه تهران.
Email: Quedan@ut.ac.ir

۴. دکتری تخصصی تاریخ ایران اسلامی، استادیار دانشگاه پیام نور قم.
Email: shqurishi@gmail.com

طرح مسأله

تقیّه به معنی پرهیز از افتادن به دام خطر و مهلکه، از مهم‌ترین عوامل حفظ مکتب تشیع در طول تاریخ است. در عصر خلفای اموی و عباسی بر اثر اختناق سیاسی، ائمه(ع) برای حفظ اسلام و اقلیت شیعه در مقابل اکثریت بنا بر مقتضیات زمانه از «تقیّه» استفاده می‌کردند. مسأله‌ی این تحقیق بررسی روایات تقیّه‌ای ائمه(ع) بر اساس نظریه‌ی کنش گفتار سرل می‌باشد. که به طور گزینشی این روایات انتخاب می‌شوند.

نظریه‌ی کنش گفتار^۱ یکی از رویکردهایی است که در حوزه‌ی تحلیل گفتمان مطرح شده است. این نظریه در آغاز توسط آستین مطرح شد و سپس به کوشش جان سرل توسعه و تکامل یافت. سرل کنش‌های گفتاری را به پنج دسته اظهاری، عاطفی، ترغیبی، اعلامی و تعهدی تقسیم بندی نمود. در کارکردهای اصلی زبان معنای گوینده، معناداری ارتباط پیدا می‌کند به تقیّه یعنی پاره گفته معنادار که در سطح دوم معنا دارد، معنا داری زبان ناشی از این جنبه‌ی آن است. بنا بر گفته‌ی جان سرل که منظور او معنای مراد گوینده است مبنی بر این که شنونده از این که وی قصد معنا کرده مطلع است، باید ابزار این انتقال باشد و به نظر سرل این ابزار چیزی جز قراردادهای جمعی زبانی نیست و شیعیان باید بین گفتار و حرکات تقیّه‌ای امام و واقعی او تمییز قائل شوند. تطابق بافت موقعیتی گفتارها با انواع کنش‌های به کار رفته در متن و بسامد آن‌ها، نشان از قدرت بالای مخاطب شناسی و درک عمیق ائمه(ع) از بافت موقعیتی است. روش استفاده شده در این بررسی، تحلیل محتوا (گفتمان) است و واحد تحلیل، مضمون در نظر گرفته شده است. ائمه‌ی اطهار(ع) در هر زمانی با در نظر گرفتن مصالح مسلمین و بر حسب مقتضیات زمان و مکان، از تقیّه در مبارزه با دشمن و پیشبرد هدف بهره می‌بردند. این سیاست یکی از عمده‌ترین خطوط عملیاتی ائمه(ع) برای حفظ تشیع بوده است. هدف این تحقیق روشن نمودن معانی ثانوی گفتمان ائمه(ع) در موقعیت تقیّه‌ای می‌باشد و ائمه(ع) بنا بر نظریه‌ی کنش گفتاری سرل، از چه کنش‌های گفتاری برای پیشبرد اهداف خویش بهره برده‌اند و بر این فرضیه استوار است که ائمه(ع) انواعی از کنش‌های گفتاری را با هدف پیشبرد برنامه هایشان برای برقراری

ارتباط با دیگران، جهت حفظ اقلیت شیعه و اسلام اصیل به کار برده‌اند.

پیشینه تحقیق: در باره‌ی نظریه‌ی کنش گفتاری سرل کتاب‌ها و مقالاتی وجود دارد از جمله «افعال گفتاری» نوشته جان سرل (۱۳۸۵)؛ زبان و جامعه در اندیشه جان سرل» از جواد عابدینی و مجتبی مصباح (۱۳۹۶) و... که زاویای مختلف این نظریه را بررسی کرده‌اند و مقالات «تحلیل خطبه‌ی حضرت زینب(س) در کوفه بر اساس نظریه‌ی کنش گفتاری سرل» از طاهره ایشانی و معصومه نعمتی قزوینی (۱۳۹۴) که انواع کنش گفتارهای حضرت زینب(س) را در این خطبه مورد بررسی قرار داده‌اند. این نویسنده «تحلیل کنش گفتار خطبه‌ی امام حسین(ع) در روز عاشورا» را نیز بررسی کرده است؛ «تحلیل خطبه پنجاه و یکم نهج البلاغه بر اساس طبقه بندی سرل از کنش گفتاری» نوشته مریم فضائلی و محمد نگارش (۱۳۹۰) که پاره گفتارهای خطبه را بر اساس کارکردهای مختلف سرل بررسی کرده‌اند و تحلیل متن شناسی زیارت نامه امام رضا(ع) بر پایه کنش گفتار از پهلوان نژاد و رجب‌زاده (۱۳۸۹) که در این پژوهش ایجاد ارتباط عمیق عاطفی گوینده با مخاطب یا مخاطبان زیارت نامه، مبنای بررسی است. و... اما در زمینه تحلیل گفتمان ائمه(ع) با روش تقیه بر اساس نظریه‌ی سرل پیشینه‌ی تحقیقی مشاهده نشد و پژوهشگر در حد توان خویش سعی دارد، گفتار و افعال تقیه‌ای ائمه(ع) را با توجه به بافت شناسی روایات صادر شده، با نظریه‌ی کنش گفتاری سرل مورد بررسی قرار دهد.

تعریف مفاهیم

۱. تعریف تقیه

اهل لغت در باره‌ی «تقیه» گفته‌اند: معنای آن نگهداری، صیانت، پرهیز و خودداری از زیان است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۵۶۸) و برخی گفته‌اند معنای آن اظهار صلح و آشتی است، هرچند در باطن برخلاف آن باشد (ابن منظور، ۱۴۰۴ق، ج ۱۵، ص ۴۰۱).

شیخ طوسی (د. ۴۶۱ ق) تقیه را اظهار زبانی بر خلاف آنچه در دل پنهان است به جهت ترس از جان، می‌داند (طوسی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۴۳).

سرخسی (د. ۴۹۰ ه.ق) از علمای حنفی اهل سنت در تعریف تقیه می‌گوید: «تقیه عبارتست از این که انسان به آنچه اظهار می‌کند جان خویش را حفظ کند، هر چند

خلاف آن را در دل پنهان کرده باشد» (سرخسی، بی تا، ج ۲۴، ص ۴۵).
در نتیجه: می‌توان تقیه را گفتار یا کردار یا ترک رفتاری دانست که شخص را از ضرر و زیان دیگران صیانت می‌کند و یا موجب هم‌زیستی مسالمت‌آمیز و تألیف قلوب گردد (بجنوردی، ۱۳۸۴، ج ۵، ص ۵۰).
مبنا و ملاک تقیه حفظ اسلام، شیعیان و جان‌نامه (ع) می‌باشد. مخالفان مسئله تقیه که عمدتاً از میان اهل سنت می‌باشند، آن را از ویژگی‌های مذهب تشیع دانسته‌اند و در مقام نقد و رد آن اشکال‌های فراوانی را بیان کرده‌اند. در مقابل شیعیان آن را اصلی قرآنی و عقلایی دانسته و معروف شدن شیعه به قبول این اصل را ناشی از فشارهایی می‌دانند که بر شیعیان در طول تاریخ تحمیل شده است. در روایات رسیده از ائمه (ع) و تاریخ اسلام دستور به تقیه کاملاً مشهود است، تنها باید با توجه به زمان و مکان آن حدود تقیه را مشخص کرد. هرگز حفظ جان امامان و شیعیان بیانگر ترس نبوده بلکه نوعی دفاع آمیخته با روشنگری و دقت می‌باشد. اهل بیت (ع) و یاران‌شان، توانستند با تقیه به هنگام و درست، دین الهی را از خطر نابودی حفظ کنند.

۲. تعریف نظریه‌ی جان سرل

یکی از دیدگاه‌های معناشناسی که بر پایه‌ی آن متون مختلف از جمله متون دینی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد، نظریه کنش گفتار است. پیش از آن که درباره‌ی نظریه‌ی «کنش گفتار» توضیح دهیم، لازم است تا اشاره‌ای مختصر به مفهوم «تحلیل گفتمان» شود؛ زیرا تحلیل کنش گفتاری زیرشاخه‌ای از تحلیل گفتمان است. تحلیل گفتمان که عبارت است از تجزیه و تحلیل زبان هنگامی که به کار می‌رود (فرکلاف، ۱۳۷۹، ص ۶۶)، رویکردی است بین‌رشته‌ای که از اواسط دهه‌ی ۱۹۶۰ تا اواسط دهه‌ی ۱۹۷۰ میلادی در پی تغییرات گسترده‌ی معرفتی در رشته‌های انسان‌شناسی، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و زبان‌شناسی ظهور کرده است.

یول و براون در کتاب تحلیل انتقادی گفتمان، تحلیل گفتمان را این چنین تعریف کرده‌اند: تحلیل گفتمان تجزیه و تحلیل زبان در کاربرد است (همان، ص ۹؛ یول و براون، ۱۹۸۹، ص ۶۶). از آنجا که تحلیل گفتمان ریشه در معناکاوی دارد و قصد آن کشف

معنای نهفته در پدیده‌های اجتماعی است، جنبه‌ی فرهنگی-اندیشه‌ای یا معنایی آنها را مورد مطالعه قرار می‌دهد (ون دایک، ۱۳۸۲، ص ۵۴). به باور غالب تحلیل‌گران، تحلیل گفتمان به دلیل این که چهارچوب نظری و روش منسجم و مناسبی را برای توصیف و تحلیل ساختار نظام‌های اندیشه‌ای و فرهنگی ارائه می‌دهد و این که بدون انکار جنبه‌ی عینی پدیده‌های اجتماعی، آنها را خارج از گفتمان قابل درک نمی‌داند، برای بررسی تمام گفتمان‌ها و پدیده‌های فرهنگی-اندیشه‌ای مناسب است. در تحلیل متن، آن ناگفته‌هایی بیشتر مورد نظر است که نویسنده به دلایلی همچون ملاحظات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و... نمی‌خواهد و نمی‌تواند آنها را بیان کند.

هر خطیب، نویسنده و شاعری برای القای مطالب خود شیوه‌ی خاصی دارد. یکی از شیوه‌های تأثیر کلام، کاربرد جملات به صورت غیرمستقیم در معانی ثانوی است که این موضوع در علم معانی دنبال می‌شود. زبان‌شناسان در همین رابطه به پژوهش‌های جدیدی رسیده‌اند که نتایج حاصله حاکی از آن است که گاهی جملات در همان معنای ظاهری به کار برده نمی‌شوند. این نظریه می‌تواند به فهم معنا با توجه به کنش‌های گفتاری از سوی افراد مختلف کمک کند.

این نظریه ابتدا از سوی جان. آی. آستین از پیشگامان فلسفه زبان مکتب آکسفورد، مطرح شد. وی نظریه‌ی خود را در مقاله‌ای تحت عنوان «چگونه با کلمات کار انجام می‌دهیم؟» انتشار داد. او جملات معنی‌داری را که خبری نبودند، جملات کنشی نامید. جان سرل ادامه دهنده‌ی راه آستین در این نظریه، از جمله فیلسوفانی است که رابطه‌ی میان زبان و جامعه را از منظر فلسفی به دقت واکاوی کرده است. سرل مسئله‌ی زبان و رابطه‌ی آن را با جامعه بر اساس نظریه‌ی بدیع خود در باره‌ی «افعال گفتاری» حل می‌کند.

۳. پاره‌گفتارهای بیانی

در نظریه کنش‌گفتار به جای پرداختن به جمله‌ها به پاره‌گفتارها پرداخته می‌شود؛ پاره‌گفتار قطعه‌ای کوتاه یا بلند زبان است که معنای آن حاصل تعامل زبان و بافت تولید است. این نوع برداشت سبب می‌شود که ما در کار تحلیل انعطاف بیشتری داشته باشیم. زیرا از منظر کنش‌های گفتار، یک پاره‌گفتار خود می‌تواند یک کلمه، یک جمله یا حتی

یک گفتمان کامل باشد (حسینی معصوم، ۱۳۹۴، ص ۷۲) و در زبان، افزون بر محتوای معنایی که بر زبان جاری می‌شود، ابعاد دیگری هم وجود دارد و این وجوه است که معنای نهایی را معین می‌کند» (قره باغی، ۱۳۸۴، ص ۱۱).

جان سرل به این مضمون پرداخت و تحت تاثیر مستقیم نظریه آستین کنش‌های اجرا کننده را گسترش داد؛ سرل گفتارها را همگی کنش می‌داند (جلالی و صادقی، ۱۳۹۴، ص ۲۲). این نظریه توانست تأثیرات فراوانی بر کسانی که در باره‌ی زبان دینی کار انجام می‌دادند، بگذارد و با استفاده از این رویکرد لایه‌های پنهانی متون دینی و سیاسی آشکار و نمایان شود (ایشانی و قزوینی، ۱۳۹۳، ص ۲۸).

امام صادق(ع) در خصوص امکان تقیّه در سخنانی، خطاب به زراره می‌فرماید: «آنچه از من شنیدی و به دیدگاه مردم شباهت دارد، دارای تقیّه است و آنچه شباهت نداشت، چنین نیست (مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۹، ص ۱۴۲). و بنا بر نظریه‌ی سرل امام یارانش را متوجه می‌سازد که به مفاهیم و محتوای گفتارش توجه کرده و موارد تقیّه و غیر تقیّه را تشخیص دهند.

از آن جایی که ما در این جستار بنای کار را بر اساس این رویکرد نهاده‌ایم، ابتدا توضیحاتی را به معرفی دیدگاه جان سرل اختصاص داده و سپس به موضوع مقاله‌ی خویش که «تحلیل گفتمان تقیّه‌ای ائمه(ع) بر پایه نظریه کارگفت» است، می‌پردازیم.

۴. کنش گفت‌ها از دیدگاه جان سرل

الف. کنش اظهاری^۱

ماهیت این نوع کارگفت شامل اظهارات، ادعاها و نتیجه‌گیری‌هایی است که گوینده به حقیقت درستی یا نادرستی آن ایمان دارد. به عبارتی دیگر وقایع بیرون جهان را آن گونه که باور دارد، توصیف می‌کند و می‌گوید که امور چگونه هستند. افعال‌هایی مانند: اظهار کردن، انکار کردن، اقرار کردن، تأکید کردن، اذعان کردن و ... از این دسته به شمار می‌آیند. (عسکری متین، ۱۳۹۱، ص ۱۵۷؛ سرل، ۱۳۸۵، ص ۱۳).

امام صادق(ع) می‌فرماید: استعمال التقیّه لصیانه الدین و الاخوان (مجلسی، ۱۳۶۲،

ج ۶۸، ص ۴۱۵؛ به کار بردن تقیه به جهت حفظ دین و برادران است. این روایت بیانگر کنش‌های اظهاری است.

ب. کنش عاطفی^۱

آن دسته از کنش‌های گفتاری را شامل می‌شود که در آنها حالت روحی و روانی و احساسات گوینده بیان می‌شود. هر گاه که گوینده احساس خود را از طریق لذت، علاقه، تنفر، عذرخواهی و یا حتی ناسزاگویی بیان دارد. این گونه حالات احساسی و روان شناختی با افعالی نشان داده می‌شود که حاکی از این نوع کارگفت می‌باشند؛ این افعال عبارتند از: عذرخواهی، سرزنش، تبریک، تحسین و تشکر، عصبانی شدن (سرل، ۱۳۸۵، ص ۱۵).

از جمله امام صادق (ع) در روایتی در بیان فرق بین حکومت بنی امیه و امامت ائمه (ع) می‌فرماید: «انّ امارة بنی امیة كانت بالسيف والعسف والجور و انّ امامتنا بالرفق والتألف و الوقار و التقیة و حُسن الخلطة والورع و الاجتهاد فرغبوا الناس فی دینکم و فیما اتم فیہ (حر عاملی، ۱۴۲۹ق، ج ۵، ص ۴۳۰)؛ حکومت بنی امیه با شمشیر، ظلم و جور سرپا بود و امامت ما با نرمی، الفت با همدیگر، وقار، تقیه، خوش برخوردی، پرهیزکاری و اجتهاد همراه است. پس مردم را در دینتان و در آنچه شما برآیند (امامت و ولایت)، تشویق کنید». در این گفتار امام (ع) با کنش‌های اظهاری، ترغیبی و عاطفی هم اوضاع سیاسی را بیان می‌کند و هم مردم را تشویق به همراهی دینی با خود می‌نماید.

پ. کنش ترغیبی^۲

منظور از چنین کنشی این است که کاربرد زبان با استفاده از واژه‌ها، مخاطب را به انجام کاری و یا بازداشتن از آن کار، تشویق و ترغیب نماید. گوینده این تشویق و ترغیب را در قالب‌هایی مانند امر، خواهش، فرمان و یا حتی پرسش جلوه‌گری می‌سازد. سعی گوینده در این نوع کنش منطبق کردن جهان خارج با وضعیت مطلوب خود از طریق مخاطب است (سرل، ۱۳۸۵: ۱۳-۱۴؛ حسینی معصوم و رادمرد، ۱۳۹۳، ص ۷)

1. Expressive act

2. Directive act

معلی بن خنیس از یاران امام گوید: امام صادق (ع) می‌فرماید: «یا معلی اکتُم أمرنا و لا تدعه... إِنَّ التَّقِيَةَ دِينِي وَ دِينُ آبَائِي وَ لَا دِينَ لِمَنْ لَا تَقِيَةَ لَهُ: ای معلی! امر ما (اعتقاد به ولایت ما) را نهان دار و فاش مساز... همانا تقیه دین من و دین اجداد من است و هر که تقیه را نادیده گیرد، دین ندارد» (حرر عاملی، ۱۴۲۹ق، ج ۱۱، ص ۴۶۵). امام در این پاره گفتارها با استفاده از کنش‌های اظهاری و ترغیبی ضرورت رعایت تقیه را از طرف پیروان خویش بیان می‌کند.

توجه به روایات تقیه در این باره جالب توجه است و می‌رساند که دستور به تقیه، به جهت ترسی بوده که از ناحیه سطح عوام و خطر مذاهب دیگر، متوجه امام و یاران ایشان می‌شده است. در یکی از این روایات می‌خوانیم: «مذهبتان را با تقیه پنهان کنید کسی که تقیه نکند شیعه نیست، شما میان سایر مردم مانند زنبوران عسل میان سایر پرندگان هستید همان‌گونه که اگر پرندگان از بار زنبور عسل آگاهی یابند اذیتش می‌کنند، سایر مردم هم اگر از گوهر گرانبهای عقاید شما اطلاع یابند با زبانشان شما را می‌خوردند» (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۲۸۲). کنش گفتار این روایت اظهاری، ترغیبی و عاطفی است.

ت. کنش تعهدی^۱

ماهیت این نوع کنش ملزم کردن مخاطب به انجام کاری در آینده را شامل می‌شود. این نوع از کنش‌های گفتار با گذشت زمان به تحقق می‌پیوندند. افعال چنین کنشی عبارتند از: قول دادن، تهدید کردن، سوگند خوردن، متعهد شدن. جمله‌هایی مانند: او سوگند خورد که به همسرش وفادار بماند (ایشانی و قزوینی، ۱۳۹۳، ص ۳۳).

ث. کنش اعلامی^۲

هدف گوینده آن است که تغییراتی در جهان خارج ایجاد شود. برخلاف کنش تعهدی که گوینده خود انجام عمل را برعهده می‌گیرد، در کنش اعلامی، صرف بیان جمله توسط گوینده برابر با انجام عمل است و نیاز به انجام کار دیگری نیست (حسینی معصوم و رادمرد، ۱۳۹۳، ص ۷۱).

1. Commissive act
2. Declarative act

بافت شناسی روایات تقیه

هر گفتمانی در شرایطی خاص و به عبارت دیگر در بافت موقعیتی خاصی شکل می‌گیرد که برای بررسی و تحلیل آن گفتمان، دانستن بافت موقعیتی آن و چگونگی شکل‌گیری آن گفتمان مهم است؛ لذا ما در این بخش، به توضیح اجمالی بافت حاکم بر به وجود آمدن و شکل گرفتن روایات تقیه‌ای اعم از بافت‌های زمانی، تاریخی، سیاسی و اجتماعی می‌پردازیم.

در همه‌ی دنیا معمول است که گاهی افراد مبارز و شجاعی، در برابر ستمگران در فشار و تنگنا قرار می‌گیرند، و در برابر آنها از روش «استتار» استفاده می‌کنند، این روش سیاسی که گاهی عقیدتی نیز هست، همان «تقیه» است که در اسلام اهمیت بسیار به آن داده شده است. تقیه مخفی نمودن حق از دیگران یا اظهار خلاف آن است به جهت مصلحتی که مهم‌تر از مصلحت اظهار حق می‌باشد. و لازم است کسی که به تقیه می‌پردازد، علم قطعی یا ظن قوی به چنین ضرری داشته باشد (مفید، ۱۳۷۶، ص ۱۳۷؛ انصاری، ۱۳۷۵ق، ص ۳۲۰). فشار و استبداد بر جامعه و حساسیت دستگاه حکومت به رهبرانی که در صدد ترویج و تبیین اندیشه‌ی مخالف آنها بودند، سبب گشت که رهبران با روش‌هایی دور اندیشانه به رهبری خود ادامه دهند. امامان شیعه به خصوص از عصر امام سجاد(ع) به بعد به دلیل فضا و وضعیتی که پیش آمد به سختی می‌توانستند اندیشه‌های شیعی را باز گویند از این رو، کمترین بهانه‌ای سبب می‌گشت که حکومت همه‌ی شیعیان باز مانده را از بین ببرد و حتی جریان امامت را با مشکل روبرو سازد. امامان شیعه در عصر اموی و عباسی در چنین اوضاعی خط مشی تقیه را برگزیدند.

در زمانی که سیاست امویان و عباسیان دور کردن مردم از اهل بیت و معارف ناب اسلام، تغییر سنت‌ها، ایجاد بدعت و تحریف عقاید مردم بود و به طور کلی سیاست خلفا در دوران‌های مختلف نسبت به شیعه، سیاست خشن و سختی بود و هر چند بار عده‌ای را به جرم شیعه‌گری و یا رهبری این دسته به زندان افکنده و یا تبعید می‌کردند و به انواع مختلف آزار و شکنجه می‌دادند (مسعودی، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۱۶۶؛ ابن ابی الحدید، ۱۳۸۷ق، ج ۱۱، ص ۴۴، ۴۶)، تقیه راهبرد اهل بیت (ع) است تا از این راه از زیان و

ضرر خود و پیروانشان پیشگیری کنند و خونشان را حفظ کنند و آن چه مصلحت حال مسلمانان و موجب همبستگی و وحدت کلمه‌ی آنهاست، نگه دارند و بدین وسیله امامیه از دیگر فرق اسلامی شناخته می‌شود. روایات بسیاری در باره‌ی ضرورت، مشروعیت و رجحان تقیه صادر شده است و تقیه در تاریخ سیاسی و اجتماعی حیات شیعی نقش بسزایی داشته است.

حال پژوهشگر سعی دارد چگونگی استفاده از کارگفت‌های تقیه‌ای ائمه (ع) را به طور گزینشی در این تحقیق مشخص نماید و هم چنین در ضمن پژوهش اهتمام بر پاسخ‌گویی به این سؤال دارد: آیا تحلیل کارگفتی می‌تواند ما را به خوانشی متفاوت و تفسیر دیگر سوق دهد؟ و ائمه (ع) بیشتر از چه کنش‌های گفتاری برای ایجاد بصیرت در شیعیان و تشویق آنها در برخورد با حکومت و اکثریت مسلمانان استفاده کرده‌اند؟ به نظر سرل آنچه در این تبیین‌ها مغفول مانده، بیان چستی معنا یا معنای مقصود گوینده است. باید میان معنای قراردادی جمله و معنای مراد گوینده تمایز قایل شد. معنای جمله، مطلب مشخص و معینی است که جمله قطع نظر از گوینده و به کار برنده‌ی آن، دارای آن است؛ اما معنای مقصود گوینده، معنایی است که گوینده از یک جمله‌ی خاص و در شرایطی معین اراده می‌کند. این معنا می‌تواند همان معنای جمله یا چیزی متفاوت با آن، مثلاً در مجاز و استعاره باشد (عابدینی و مصباح، ۱۳۹۶، ص ۱۸۹) که در بیانات ائمه (ع) با روش تقیه این موارد دیده می‌شود.

معنای زبانی (معنا شناسی) متفاوت از معنا شناسی بافتی (کاربرد شناسی) است. این مطلب بیانگر این است که معنای واقعی در بافت مورد نظر به دست می‌آید (چیمن، ۲۰۱۱، ص ۱). بنابراین در بررسی گفتمان ائمه (ع) باید به معنا شناسی بافتی توجه داشت.

تحلیل روایات تقیه‌ای ائمه (ع) بر اساس نظریه‌ی سرل

قرآن کریم در آیه‌ی تجویز تقیه مؤمنان از کافران می‌فرماید: «لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَاةً وَيَحْذَرُكُمْ اللَّهُ نَفْسَهُ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ»؛ نباید اهل ایمان مؤمنان را وا گذاشته و کافران را دوست گزینند و هر که چنین کند رابطه‌ی او با خدا مقطوع است مگر برای بر حذر بودن از

شر آن‌ها و خدا شما را از عقاب خود می‌ترساند و بازگشت همه به سوی خدا خواهد بود» (آل عمران، ۲۸). در این آیه خوش رویی ظاهری برای حفظ مصالح اسلام است. این آیات به یک مسئله روانی توجه دارند پس ترغیبی هستند، ولی با توجه به بافت زبانی و آگاهی از بافت موقعیتی آیات، کنش واقعی پاره گفتارها، هشدار دادن و عاطفی است.

پیامبر اکرم (ص) تقیه را از شرایط ایمان دانسته و در این مورد به آیه ۲۸ سوره آل عمران استناد می‌کنند؛ و می‌فرماید: «لا ایمان لمن لا تقیه له و یقول: قال الله الا ان تتقوا منم تقاه» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۷۵، ص ۴۱۲) و در روایتی تارک تقیه را همانند تارک نماز قلمداد می‌کنند (تارک التقیه کتارک الصلاه، همان). و نیز در روایت دیگری حضرت فرمودند: مثل مؤمن لا تقیه له کمثل جسد لارأس له... (حر عاملی، ۱۴۲۹ق، ج ۱۱، ص ۴۷۳). در این روایات علاوه بر کنش گفتار اظهاری، پیامبر (ص) مسلمانان را با کنش عاطفی تشویق به رعایت تقیه می‌کند

کیفیت نماز میت خواندن آن حضرت بر عبدالله بن ابی که از سران منافقین مدینه به شمار می‌آمد، از موارد تقیه اظهاری است؛ چرا که آن حضرت در هنگام نماز به طور آهسته به جای دعا بر او نفرین نمود (همان، ج ۲، ص ۷۷۰). نفرین پیامبر (ص) در نماز کنش گفتار عاطفی است.

امام علی (ع) نیز در برخی مقاطع در برخورد با مخالفان، از سرناچاری از بعضی مواضع به حق خود کوتاه آمد و تقیه را پذیرا شد. در مورد تقیه‌ی اجتماعی آن حضرت روایتی است که در آن امام علی (ع) عمل خود را چنین گزارش می‌دهد: «انا لبشری وجوه قدم و ان قلوبنا تقلیهم، اولئک اعداء الله نتقیهم علی اخواننا لا علی انفسنا؛ ما با گروهی با خوش رویی برخورد می‌کنیم، در حالی که دل‌هایمان ایشان را دشمن می‌دارد، آنها دشمنان خدا هستند و این‌گونه برخورد ما جهت حفظ برادرانمان است نه خودمان (مجلسی ۱۴۰۴ق، ج ۷۵، ص ۴۰۱).

و در روایتی دیگر این چنین به یاران خود فرمان می‌دهد: «خالصو الناس بالستکم و اجساد کم و زایلوهم بقلوبکم و اعمالکم؛ با مردم با زبانها و بدن‌هایتان معاشرت کنید و به وسیله‌ی دل‌ها و اعمالتان از آنها جدا باشید» (همان، ص ۴۱۰). امام در هر دو روایت با

کنش‌های عاطفی و ترغیبی شیعیان را دعوت به معاشرت با مخالفان می‌کند.

این دو روایت همچنان که می‌تواند در دوران ۲۵ ساله‌ی خانه نشینی آن حضرت درباره‌ی خود و یارانش مصداق داشته باشد، می‌تواند در دوران پنج ساله‌ی حکومت آن حضرت نیز صدق نماید، زیرا در آن دوره، شیعیان خالص آن حضرت در اقلیت بودند و توده‌ی مردم امام را به عنوان خلیفه‌ی چهارم و مقام او را پایین‌تر از خلیفه‌ی اول و دوم می‌دانستند. پس خوش‌رویی ظاهری برای حفظ مصالح اسلام و شیعه است. حضرت علی(ع) با بصیرت، دوران پس از خود را پیش‌بینی می‌کرد و طی روایاتی از یاران خود می‌خواست که در این زمان تقیه نموده و هرگاه آن‌ها را به دشنام دادن به مولایشان فراخواندند، به جهت حفظ جان خود اجابت نمایند (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۹، ص ۲۵، ۳۰؛ سیوطی، ۱۳۷۱ق، ص ۱۵۲). امام(ع) در هشدار نسبت به کوفیان، می‌فرماید: آگاه باشید! به زودی معاویه شما را به بیزاری و بدگویی من وادار می‌کند، بدگویی را به هنگام اجبار دشمن اجازه می‌دهم که مایه‌ی بلندی درجات من و نجات شماست، اما هرگز در دل از من بیزاری نجوید که من بر فطرت توحید تولد یافته‌ام و در ایمان و هجرت از همه پیش قدم‌تر بوده‌ام (نهج البلاغه، خطبه ۵۷). در این پاره گفتارها امام علی(ع) از کنش‌های اظهاری، عاطفی و ترغیبی در آماده‌سازی یاران در برخورد با دشمن استفاده می‌نماید. کاربرد زیاد کنش ترغیبی نشانگر این است که امام سعی دارند از طریق هشدار دادن، دستور دادن، تشویق کردن و نصیحت کردن شیعیان را برای مقابله با توطئه‌های دشمن آماده سازند. از آن جا که حضرت علی(ع) سخنوری بلیغ و ماهر بود، در بررسی و تبیین گفتمان ایشان حتماً باید معانی ثانوی گفتار مد نظر باشد.

امام سجاد(ع) طی بیانی مردم زمانه‌ی خویش را به شش دسته تقسیم کرده، زمامداران را به شیر و مسلمانان را به گوسفندانی تشبیه کرده که بین شیر و گرگ و روباه و سگ و خوک گیر کرده، گوشت و پوست و استخوانشان توسط شیر دریده می‌شد (صدوق، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۳۳۸-۳۳۹). در این پاره گفتارها امام(ع) از کنش اظهاری و عاطفی برای توصیف اوضاع زمانه استفاده می‌کند.

امام سجاد(ع) همواره مدافع امر به معروف و نهی از منکر و مبارزه با ظلم و انحراف

بود و پیروان خود را به تلاش و جهاد در راه ارزش‌های الهی فرا می‌خواند، اما به حکم امامت و پیشوایی، راه مبارزه را نیز به آنان می‌نمایاند و گفتمان زمانه را به ایشان یادآور شده، و آنها را دعوت به مبارزه پنهانی (پوششی) با ستمگران می‌کرد؛ ایشان خود در این باره می‌گفتند: «حق الامام علی الناس أن یطیعوه فی ظاهرهم و باطنهم علی توقیر و تعظیم و حق السلطان أن یطیعوه، فی الظاهر فقط» (شوشتری، ۱۴۰۹ق، ج ۱۲، ص ۱۱۷؛ امین، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۶۲۹)؛ حق امام بر مردم این است که در نهران و آشکار از او پیروی کنند و فرمانبردار او باشند کلامش را بزرگ شمارند، ولی حق سلطان این است که در ظاهر حکمش را مخالفت نکنند. امام با این روایت که از کنش اظهاری و ترغیبی استفاده شده است، مسلمانان را متوجه جایگاه امام و سلطان می‌نماید. ایشان در روایتی دیگر اشاره فرموده‌اند: «کسی که امر به معروف و نهی از منکر را ترک کند، همچون کسی است که کتاب خدا را کنار نهاده و بدان پشت کرده است، مگر آن که در تقیه باشد. از امام پرسیدند تقیه چیست؟ فرمود: «یحاف جباراً عنیداً یخاف أن یفترط علیه أو أن یطغی» (ابن سعد، ۱۳۷۴، ص ۲۱۴؛ ابو نعیم اصفهانی، بی تا، ج ۳، ص ۱۰۴)؛ تقیه آن است که به خاطر تجاوز و طغیان عنودی از او بترسی. در این روایت به طور صریح از کنش عاطفی استفاده شده است.

یکی از مهم‌ترین مشکلاتی که امام سجاد(ع) در این دوران با آن روبرو بود، عدم همسویی شیعیان با سیاست پنهان کاری ایشان بود، به گونه‌ای که آنان با شنیدن اسرار و معارف حقه‌ی شیعی از آن امام(ع)، آن را در جامعه‌ی کم ظرفیت آن روز پراکنده می‌کردند و موجبات گرفتاری برای خود و امام(ع) را فراهم می‌آوردند. امام(ع) در مقام گلایه از این عمل چنین می‌فرمود: «وَدِدْتُ وَاللَّهِ أَنِّي إِفْتَدَيْتُ حَصَلَتَيْنِ فِي الشُّعْبَةِ لَنَا بِبَعْضِ لَحْمِ سَاعِدِي، وَ هُمَا الْتَرَّقَ وَقَلَّ الْكَيْتْمَانِ»؛ به خدا سوگند، دوست داشتم گوشت دست و بازوهایم را می‌دادم، تا دو ویژگی بی صبری و افشای راز در میان شیعه از بین می‌رفت (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۲۲۱؛ حر عاملی، ۱۴۲۹ق، ج ۱۱، ص ۴۸۴). در ابتدای پاره گفتار چون قسم آمده است ظاهر کلام امام کنش تعهدی است، اما از نظر معنایی در این روایت از کنش عاطفی استفاده شده است. ائمه(ع) در تمامی روایات مذکور با بیان کلمات

و جملات مدح آمیز یا ذم انسان را ترغیب به انجام و یا پرهیز از انجام عملی می‌نمایند، هر چند که این روایات خود نوعی از کنش‌های عاطفی هستند.

امام سجاده (ع) با توجه به مقتضیات زمانه، برای پیشبرد اهداف خویش از روش دعا و عزاداری بهره می‌برد. دعاها و دارای نوعی معانی است که گفتمان زمانه‌ی او را تفسیر می‌کند و از مفاهیم تبلیغ و پی‌ریزی بنای امت لبریز است، بنابراین امام سخنان و آراء خود را جامه‌ی خشونت انقلابی نپوشانید. اگر چه در واقع مفاهیم آن گفتارها شدیدتر از خشونت و شورش بود. او تعابیر آن را در قالب اشارات و تحریک مستقیم آراست (ادیب، بی تا، ص ۱۵۷؛ حکیمی، ۱۳۸۲، ص ۳۱-۳۴).

در میان دعاها و صحیفه عبارتی وجود دارد که اغلب تکرار شده و کمتر دعایی است که از این تعبیر خالی باشد. این تعبیر، «صلوات بر محمد و آل محمد» است، زمانی که حتی قرار دادن نام علی بر فرزندان تقبیح می‌شد و افراد بدین دلیل مورد تهدید قرار می‌گرفتند (ابن ابی الحدید، ۱۳۸۷ق، ج ۱۳، ص ۲۲۰؛ بلاذری، ۱۳۴۶، ج ۱، ص ۱۸۴) به کار گرفتن این تعبیر ارزش خود را بخوبی نشان می‌دهد. سیاست امویان، بر ترور شخصیت اهل بیت (ع) و منزوی داشتن پیامبر (ص) و سنت نبوی بود. امام سجاده (ع) در مقابله با این سیاست دشمن، با ذکر صلوات و تعبیرهایی شبیه «محمد و اله الطیبین الطاهرین الأخیار الأنجبین»، به زنده نگه داشتن نام و یاد پیامبر (ص) و خاندانش می‌پرداخت (صحیفه سجاده، دعای ۶، فقره ۲۴؛ دعای مکارم اخلاق، دعای ۲۰؛ همو، دعای ۴۷، فقره ۵۶). و امام (ع) بنا بر شرایط سیاسی عصر خویش با گفتار سنجیده و با کنش اظهاری و عاطفی، اهداف خویش را پیش می‌برد

امام سجاده (ع) در یکی از دعاها می‌فرماید: «خدایا من به تو پناه می‌برم که به خاطر تو محبوب باشم درحالی که تو بر من خشم گرفته باشی» (حرانی، ۱۳۶۳، ص ۲۸۲؛ بحرانی اصفهانی، ۱۳۸۸، ج ۱۸، ص ۸۹). این دعا نهایت خضوع و خشوع امام در برابر خدای خود را می‌رساند. امام با این دعای خود، اولاً به ترویج دعا و توجه دادن به حضور خدا اقدام نمود و ثانیاً به مخاطب خویش در قالب دعا فهماند که امام نیز باید به دنبال جلب رضایت و محبت خدا باشد و این کنایه از سختی کار برای مؤمن است. برای امام دعا ابزاری برای

انتقال مفاهیم و گزاره‌های دینی به مخاطبان بود و امام در این جا بیشتر از کنش اظهاری، عاطفی و ترغیبی استفاده کرده است.

از فعالیت‌های دیگر امام چهارم (ع) تحت پوشش تقیه بهره‌برداری عاطفی از نهضت پدر بزرگوارش امام حسین (ع) بود. امام سجاد (ع) با این راهبرد سعی داشت، عواطف و احساسات مردم را با گریه و عزاداری بیدار ساخته و جنایات یزیدیان را برملا سازد. در راستای تحقق این هدف آن حضرت چهل سال برای مصائب پدرش گریست و در این مدت هیچ گاه طعامی در جلو چشمش نمی‌دید، مگر این که برای مظلومیت شهدای کربلا اشک می‌ریخت (سید بن طاووس، ۱۴۱۷ق، ص ۲۳۳؛ ابن سعد، ۱۳۷۴، ج ۵، ص ۱۴۰؛ مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۴۶، ص ۱۰۹). و امام (ع) با استفاده از کنش عاطفی، یاد قیام عاشورا را زنده نگه می‌داشت. هر چند این کنش وجه زبانی ندارد ولی وجود آن در نگاه داشت و پاس داشت اندیشه و احساس عاشورا و نقش کارکرد کلامی حادثه‌ی کربلا مؤثر است. بدیهی است پژوهنده از پرداختن به سایر وجوه عاطفی حادثه کربلا به جهت عدم اطاله کلام نمی‌پردازند.

امام سجاد (ع) در بسیاری از موارد با تمسک به روش تبلیغ غیرمستقیم، به هدایت جامعه می‌پرداختند که نمونه‌ی بارز شیوه اول آن در بیان مفاهیم در قالب دعا و نمود شیوه دوم در گریه و ذکر مصائب سیدالشهدا (ع) و در مورد سوم، سیره‌ی عبادی و اخلاقی امام متجلی بود. به گزارش منابع، امام روزی در مسجد پیامبر بودند. ناگهان شنیدند که گروهی خدا را به مخلوقاتش تشبیه می‌کنند. پس سراسیمه و نگران برخاستند و به نزد مرقد پیامبر خدا (ص) آمدند و در آنجا ایستادند و صدایشان را به دعا بلند کردند و در دعایشان چنین گفتند: خدایا! قدرت تو آشکار شد، ولی هیبت تو نهان ماند و تو را نشناختند و برخلاف آنچه هستی اندازه‌ات کردند. خداوندا! من از کسانی که تو را با تشبیه جستجو کردند بیزارم درحالی که هیچ چیزی همانند تو نیست و آنان هرگز تو را در نمی‌یابند... آنان حتی تو را با خلقت برابر ساختند و به همین سبب تو را نشناختند. آنان برخی از نشانه‌های تو را برگرفتند و با همان نشانه‌ها توصیف کردند و تو ای خدا از آن چه تشبیه کنندگان تو را بدان توصیف کرده‌اند برتری (اربلی، ۱۴۰۱ق، ج ۲، ص ۶۳۳؛ شیخ مفید، بی تا، ج ۲، ص ۱۵۳). نقل این

روایت نشان می‌دهد امام جملاتشان را به نحوی می‌گفتند که اطرافیان متوجه قول ایشان بشوند. حضرت در اینجا با فرد خاطی وارد استدلال عقلی یا روایی نشدند و حتی خطاب مستقیم با وی را رها کرده و ضمن یک مناجات علنی (که دیگران را هم متوجه خود ساخت) به القای عقیده‌ی صحیح در مورد ذات خدای متعال پرداختند. این مطلب نشان می‌دهد جامعه‌ی زمان امام سجاد(ع) در بسیاری از موارد، زمینه‌ی بهره‌گیری علمی مستقیم از ایشان را نداشته و امام به هر دلیلی نمی‌توانستند با خطاب مستقیم و استدلال علمی به راحتی به مطلوب دست یابند. در گفتمان امام(ع) در این جا به ترتیب کنش اظهاری، عاطفی و ترغیبی استفاده شده است.

در باره‌ی جایگاه ابوبکر و عمر امام با رعایت تقیه، گاه سخن خود را در لفافه بیان می‌کردند و می‌فرمودند: «کان أبو بکر و عمر من رسول الله صلی الله علیه و سلم فی حیاته بمنزلته ما منه بعد وفاته» (همان، ص ۱۰۵)؛ عمر نزد پیامبر(ص) در زمان حیات ایشان همان جایگاه آن‌ها نسبت به ایشان بعد از وفاتشان است. با توجه به معنای روایت در حقیقت امام در این جا هیچ برتری و فضیلتی را بیان نکرده است. به طور کلی، کنایه و پوشیده سخن گفتن یکی از فنون بلاغی است و استفاده از پاره‌گفتارهای کنشی ضمنی آگاهی امام(ع) به اصول و فنون بلاغت را نشان می‌دهد.

از دیگر جلوه‌های رفتار سیاسی تقیه آمیز ائمه(ع)، اظهار برخی سخنان دو پهلوست که به حسب ظاهر خوشایند دستگاه حاکمه بود، چنانچه در روایتی آمده است که امام باقر(ع) در مجلس هشام بن عبدالملک و خطاب به او می‌فرماید: «یا امیر المؤمنین الواجب علی الناس الطاعة لامامهم و الصدق له بالنصیحة» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۴۶، ص ۳۱۶)؛ ای امیرمؤمنان، بر مردم واجب است که از امامشان اطاعت نمایند و هنگام نصیحت و خیرخواهی با او از در راستی درآیند. چرا که در این روایت، کلمه‌ی امام قابل تطبیق به هر دو مصداق حاکمان غاصب و ائمه‌ی اهل بیت(ع) می‌باشد. در این جا نیز هدف واقعی از واژه‌ی امام تشویق مسلمانان به پیروی و اطاعت از اهل بیت(ع) می‌باشد و امام با کنش اظهاری و ترغیبی پیام خود را به مردم می‌رساند. ائمه(ع) با توجه به شرایط زمانه و اختناق سیاسی با گفتار و بیانات سنجیده‌ی خویش راه فشار و سختی دشمن را بر خود و یاران

می‌بستند و خطر را دور می‌ساختند.

امام باقر(ع) در دستورالعملی کلی خط مشی زیر را برای اصحاب خود هنگام برخورد با مخالفان پی‌ریزی می‌نماید و می‌فرماید: «خَالِطُوهُمْ بِالْبِرِّانِيَّةِ وَ خَالِفُوهُمْ بِالْحَوَانِيَّةِ إِذَا كَانَتِ الْأَمْرَةُ صَبِيانِيَّةً (مجلسی، ۱۴۰۴ ق، ج ۷۲، ص ۴۳۶؛ همو، ج ۷۵، ص ۴۳۶)؛ هر گاه حکومت به دست بچه‌ها (کم‌عقلان) افتاد، با مردم در آشکارا معاشرت (نیکو) داشته باشید و در نهان با آنها مخالفت کنید. [هنگامی که حکومت در اختیار عناصر نادان قرار گرفت] در ظاهر با توده مردم باشید، ولی پنهانی به وظیفه خود عمل کنید». امام در این کلام از کنش اظهاری، ترغیبی و عاطفی برای ایجاد بصیرت در بین شیعیان استفاده می‌کند.

امام صادق(ع) به عبدالله فرزند زراره می‌فرماید: سلام مرا به پدرت برسان و بگو این که من از تو بدگویی کرده‌ام به جهت دفاع از تو بوده است، زیرا مردم و دشمنان هر گاه بدانند ما کسی را دوست داریم و خوبی او را می‌گوییم، به سرعت به اذیت و آزار او اقدام می‌نمایند (حرعاملی، ۱۴۲۹ق، ج ۸، ص ۱۸۶-۱۸۵؛ صفری فروشانی، ۴۰۷، ص ۱۳۸۴). بیشترین بار کلام امام کنش گفتاری ترغیبی و عاطفی است. پس ائمه(ع) بنا به بافت سیاسی و اجتماعی زمانه، با بیان مناسب از جان یارانش محافظت می‌کردند.

امام هادی(ع) با رعایت کامل تقیه و اصول مخفی کاری که تنها گزینه‌ی معقول و منطقی برای ادامه‌ی حیات سیاسی در آن شرایط بود، هیچ بهانه‌ای به دست حاکمان سختگیر عباسی نمی‌داد (مفید، بی تا). یک بار که متوکل می‌خواست مستمسکی جهت علنی کردن نیات بد خود دست و پا کند، رو به امام هادی نموده و پرسید: فرزند پدر تو (یعنی شما) در باره‌ی عباس بن عبدالمطلب چه گوید؟ امام(ع) در پاسخ فرمود: ای خلیفه فرزند پدرم در باره‌ی شخصی که خداوند اطاعت فرزندانش را بر مردم و اطاعت او را بر فرزندانش واجب کرده است، چه می‌تواند بگوید؟ متوکل از این پاسخ خوشحال شد و یک صد هزار درهم به آن حضرت بخشید (مسعودی، ۱۴۰۹ق، ص ۱۰-۱۱) مسعودی می‌نویسد: هدف امام(ع) از این پاسخ و جوب اطاعت از دستورهای خداوند بر فرزندان عباس بود (همان) اما آن حضرت این مطلب را به گونه‌ای بیان می‌کند که نه تنها هیچ بهانه‌ای به دست متوکل نمی‌دهد که حتی خوشحال شده و مبلغ قابل توجهی را نیز به عنوان

جایزه به آن حضرت پرداخت می‌کند.

یکی از ویژگی‌های زبان آدمی این است که در اغلب موارد به بیان و یا اعلام ساده‌ای از حقیقت نمی‌پردازد؛ یعنی همیشه نمی‌توان میان صورت‌های ظاهری جملات و کارکرد نهایی معنایی آن رابطه‌ایی مستقیم برقرار کرد. پس در فهم گفتار امام باید به معنای ثانوی آن توجه داشت و زبان و گفتار ابزار بسیار مهمی در پیشبرد اهداف ائمه(ع) بود که نه تنها خود از آن بهره می‌بردند، یاران خویش را نیز به این امر تشویق می‌نمودند. با بررسی گفتار تقیّه‌ای ائمه(ع) متوجه شدیم که بیشترین کاربرد کنش گفتارها، اظهاری، عاطفی و ترغیبی است.

نتیجه‌گیری

یکی از شیوه‌های مبارزاتی ائمه (ع) در عصر فشار سیاسی اموی و عباسی، روش «تقیّه» است. ائمه (ع) بر حسب مقتضیات زمان و مکان، از تقیه در مبارزه با مخالفان و پیشبرد هدف بهره می‌بردند. مسأله‌ی این تحقیق بررسی روایات تقیه‌ای ائمه (ع) بر اساس نظریه‌ی کنش‌گفتار سرل می‌باشد.

نظریه‌ی کنش‌گفتار یکی از رویکردهایی است که در حوزه‌ی تحلیل گفتمان مطرح شده است این نظریه در آغاز توسط آستین مطرح شد و سپس به کوشش جان سرل توسعه و تکامل یافت. سرل کنش‌های گفتاری را به پنج دسته اظهاری، عاطفی، ترغیبی، اعلامی و تعهدی تقسیم بندی نمود. یکی از ویژگی‌های زبان آدمی این است که در اغلب موارد به بیان و یا اعلام ساده‌ای از حقیقت نمی‌پردازد؛ در کارکردهای اصلی زبان معنای گوینده، معناداری ارتباط پیدا می‌کند به تقیه یعنی پاره گفته معنادار که در سطح دوم معنا دارد، معنا داری زبان ناشی از این جنبه‌ی آن است که همیشه نمی‌توان میان صورت‌های ظاهری جملات و کارکرد نهایی معنایی آن رابطه‌ایی مستقیم برقرار کرد. امروزه برای فهم این چنین پاره گفتارهایی که معنای ثانوی آنها مورد نظر است و در نهایت شامل کارکردهای متفاوتی از قبیل اظهاری، عاطفی، ترغیبی، پیشنهادی و تعهدی می‌باشند، از نظریه‌ی جان سرل که به نظریه‌ی «کارگفت» معروف است، بهره می‌برند.

داده‌های تحقیق نشان می‌دهد: ائمه (ع) با بصیرتی که داشتند، برای پیش‌برد اهداف خویش بنا بر نظریه‌ی افعال گفتاری جان سرل از جملات و عباراتی استفاده کرده‌اند که بیشتر معنای ثانوی آنها مد نظر بوده است و کنش‌های عاطفی، ترغیبی و اظهاری به ترتیب بیشترین کاربرد را داشته است. در مقابل کنش‌های تعهدی و اعلامی به کار نرفته است. به نظر می‌رسد دلیل استفاده نکردن از این نوع کنش‌ها این بوده که نوع مطلبی که ائمه (ع) می‌خواستند بیان کنند و به یارانشان منتقل کنند، از طریق این نوع کنش‌ها امکان‌پذیر نبوده است. از سوی دیگر این نوع کنش‌ها هر یک در شرایط بافتی خاصی به کار می‌رود و کاربرد آنها موقعیت خاصی را اقتضا می‌کند. تطابق بافت موقعیتی گفتارها با انواع کنش‌های به کار رفته در متن و بسامد آنها، نشان از قدرت بالای مخاطب‌شناسی و درک عمیق ائمه (ع) از بافت موقعیتی است.

فهرست منابع

قرآن کریم

۱. نهج البلاغه (۱۳۷۹)، تحقیق و ترجمه: محمد دشتی، قم: انتشارات قم.
۲. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله (۱۳۸۷ق)، شرح نهج البلاغه، تصحیح محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
۳. ابن سعد، محمد بن سعد کاتب واقدی (۱۳۷۴)، الطبقات الکبری، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران: انتشارات فرهنگ و اندیشه.
۴. اربلی، ابوالفتح (۱۴۰۱ق)، کشف الغمّه فی معرفه الائمه، بیروت: نشر الکتب الاسلامیه.
۵. ادیب، عادل (بی تا)، زندگانی تحلیلی پیشوایان ما، ترجمه اسدالله مبشری، بی جا.
۶. ابو نعیم اصفهانی، احمد بن عبدالله (بی تا)، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیاء، قاهره - مصر: دار ام القری.
۷. امین، محسن (۱۳۸۹)، زندگانی معصومین (ع) یا اعیان شیعیه، ترجمه مصطفی گرگان بیگ، علی چراغی، تهران: مؤسسه نشر پنجره.
۸. ایشانی، طاهره؛ معصومه نعمتی قزوینی (۱۳۹۳)، «تحلیل خطبه‌ی حضرت زینب(س) در کوفه بر اساس نظریه‌ی کنش گفتار سرل»، مجله‌ی سفینه، تهران، دوره‌ی ۱۲، شماره ۴۵، زمستان، صص ۵۱-۲۵.
۹. انصاری، مرتضی بن محمد امین (شیخ مرتضی)، (۱۳۷۵ق)، رساله فی التقیه، طبع تبریز.
۱۰. ابن منظور، جمال الدین محمد بن مکرم (۱۴۰۴ق)، لسان العرب، قم: انتشارات الحوزه.
۱۱. بلاذری، احمد بن یحیی (۱۳۴۶)، فتوح البلدان، ترجمه آذرتاش آذرنوش، بی جا: بنیاد فرهنگ ایران.
۱۲. بحرانی اصفهانی، عبدالله (۱۳۸۸)، عوالم العلوم و المعارف و الاحوال، قم: مؤسسه امام مهدی (عج)، ج ۱۶.
۱۳. بجنوردی، محمد حسن (۱۳۸۴)، القواعد الفقیه، ج ۵، قم: بصیرتی.
۱۴. چپمن، شیوان (۱۳۸۴)، از فلسفه به زبان‌شناسی، ترجمه حسین صافی، تهران: گام نو.
۱۵. جلالی، مریم؛ معصومه صادقی (۱۳۹۴)، «کنش گفتاری سرل و پیوند آن با جنسیت و جایگاه اجتماعی در گرشاسب نامه»، نشریه جامعه‌شناسی تاریخی، دوره ۸، شماره ۹۵، بهار و تابستان:

صص ۱۰۶-۸۸

۱۶. حرانی، حسین بن علی (۱۳۶۳)، *تحف العقول*، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۱۷. حرالعالمی، محمد بن الحسن (۱۴۲۹ق)، *وسائل الشیعه*، بیروت: مؤسسه آل البيت.
۱۸. _____ (۱۴۱۰ق)، *وسائل الشیعه*، تحقیق عبدالرحیم ربانی شیرازی، تهران: مکتبه الاسلامیه.
۱۹. حکیمی، محمدرضا (۱۳۸۲)، *امام در عینیت جامعه*، قم: انتشارات دلیل ما، چ ۱۳.
۲۰. حسینی معصوم، سید محمد؛ عبدالله رادمهر (۱۳۹۴)، «تأثیر بافت زمانی- مکانی بر تحلیل کنش گفتار»، *مجله جستارهای زبانی*، دانشگاه تربیت مدرس، دوره ۶، شماره ۳، صص ۹۲-۹۶.
۲۱. راغب اصفهانی، حسین (۱۴۱۲ق)، *المفردات فی غریب القرآن*، بیروت: دارالعلم.
۲۲. سید بن طاووس (۱۴۱۷ق)، *علی بن موسی، الملهوف علی قتلی الطفوف*، بی جا: دارالاسوه.
۲۳. سرل، جان. آر (۱۳۸۵)، *افعال گفتاری*، ترجمه ی محمد علی عبداللهی، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۲۴. سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن بن ابی بکر (۱۳۷۱ق)، *تاریخ الخلفاء*، تحقیق: محمد محی الدین عبدالحمید، مصر، مطبعة السعادة.
۲۵. سرخسی، شمس الدین (بی تا)، *المبسوط*، بیروت: دارالمعرفه.
۲۶. شوشتری، نورالله بن شریف الدین (۱۴۰۹ق)، *إحقاق الحق و إزهاق الباطل*، قم، کتابخانه عمومی آیه الله العظمی مرعشی.
۲۷. صفری فروشانی، نعمت الله (۱۳۸۴)، *نقش تقیه در استنباط*، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۲۸. صدوق، محمد بن علی ابن بویه (۱۳۷۷)، *الخصال*، ترجمه محمد باقر کمره ای، تهران: کتابچی.
۲۹. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، *التبیان فی تفسیر القرآن*، مکتبه الاعلام الاسلامی.
۳۰. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۳)، *اصول کافی*، ترجمه سید هاشم رسولی محلاتی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۱. عابدینی، جواد؛ مجتبی مصباح (۱۳۹۶)، «زبان و جامعه در اندیشه جان سرل، جواد عابدینی»، *مجله معرفت فلسفی*، سال ۱۴، ش ۳، بهار، صص ۱۸۵-۲۰۷.
۳۲. عسکری متین، سجاد؛ علی رحیمی (۱۳۹۲)، «تحلیل گفتمان حقوقی؛ واکاوی نقش کارگفت در بافت حقوقی»، *نشریه جستارهای زبانی*، شماره ۱۵، پیاپی، زمستان، صص ۱۷۲-۱۵۱.

۳۳. فر کلاف، نورمن (۱۳۷۹)، *تحلیل انتقادی گفتمان*، ترجمه جمعی از مترجمان، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
۳۴. فضائی، مریم؛ محمد نگارش (۱۳۹۰)، «تحلیل خطبه‌ی پنجاه و یکم نهج البلاغه بر اساس طبقه‌بندی سرل از کنش‌های گفتاری»، *مجله‌ی علوم قرآن و حدیث*، دانشگاه فردوسی، شماره ۸۶، بهار و تابستان، صص ۸۱-۱۱۸.
۳۵. قره باغی، علی اصغر (۱۳۸۴)، «کتاب: رفتارهای زبانی بازنمایی‌های بی رحمانه شهرزاد قصه‌گو اثر محمد بهارلو»، *مجله گلستانه*، ش ۸۶، ۷۰-۸۶.
۳۶. مفید، محمد بن محمد بن النعمان (شیخ مفید) (بی تا)، *الارشاد فی معرفه حج الله علی العباد*، ترجمه سید هاشم محلاتی، تهران: انتشارات علمیه اسلامی، چ ۲.
۳۷. _____ (شیخ مفید) (۱۳۷۶)، *تصحیح الاعتقادات الامامیه*، قم: الموترالعالمی لالفیه.
۳۸. مجلسی، محمد بن باقر بن محمد تقی (۱۳۰۴ ق)، *بحارالانوار*، بیروت: مؤسسه الوفاء.
۳۹. _____ (۱۳۶۲)، *بحارالانوار*، چ ۴، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۴۰. مغنیه، محمدجواد (۱۴۰۹ ق)، *الشیعہ والتشیع*، بیروت: دارالجواد.
۴۱. مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین، (۱۴۰۹ ق)، *مروج الذهب و معادن الجواهر*، بیروت، دارالاندلس.
۴۲. ون دایک، تئوان ای (۱۳۸۲)، *مطالعاتی در تحلیل گفتمان*، ترجمه میر فخرایی و دیگران، چ ۱، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.

43. Brown, G. and Yule, G, 1989, *Discourse Analysis*, Cambridge University Press.

44. Cambridge, New York and Oakleigh